

برقرار باد شوراهای واقعی کارگران

نگاهی به مبارزات اخیر کارگران مبارز ارج

هنوز دو سالی نیست که از حکومت جمهوری اسلامی ایران میگذرد ولی برای بسیاری از توده های زحمتکش بخصوص کارگران آشکار شده است که رژیم حاکم نه میخواهد و نه قادر بوده است که به نیازها و حقوق آنها بسند توجهی داشته باشد. بعلاوه در این مدت، کردار و گفتار رژیم اسلامی در قبال توده های مردم بویژه زحمتکشان، حاکی از رفتار وحشیانه و استبدادی و بر خلاف مصالح آنها و در بازسازی و منافع سرمایه داری ورشکسته ی گذشته بوده است. در طی این مدت، سیر وقایع همواره با سرکوب و تحمیق توده ها همراه بوده و آگاهی کاذب توده های مردم به واسطه ی همین سیاست تحمیق و تحکیم وبسته به شرایط متغیر روز، گاهی بشدت و زمانی به شک و تردید گرائیده است. در ابتدای کار، رژیم حاکم از حمایت ناآگاهانه ی توده های وسیع مردم برخوردار بود و توهم و خوشباوریهای ناشی از عدم شناخت آنها، آنان را به سکوی پرش و تکیه گاه قدرت سیاسی رژیم مبدل ساخته و از طریق رفاندومها و انتخابات قلبی و غیر قانونی، پایه های قانونی جمهوری اسلامی با تصویب قانون اساسی و قوانین ضد کارگری شورای انقلاب بر ویرانه های رژیم گذشته جایگزین گردید. در مرحله ی اخیر نیز، بویژه پس از جنگ ایران و عراق، اگر چه توهمات و تصورات واهی بسیاری از پائینی ها نسبت به، بالانشینان جمهوری اسلامی از میان نرفته است ولی واقعیات زمینی و سخت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مردم بر تردیدها افزوده است و امروز کم نیستند کسانی که کاخ آمال و آرزوهای کاذب آنان نسبت به آینده درهم شکسته و ماهیت عوامفریبانه و غیر مردمی بودن رژیم حاکم را دریافته اند و در موارد بسیاری بخصوص در میان کارگران، نطفه های آگاهی و مبارزه ی طبقاتی علیه رژیم حاکم در حال شکل گرفتن است. بی کفایتی حکومتگاران قرون وسطایی جمهوری اسلامی، چه در زمینه ی اقتصادی و سیاسی و یا دیگر زمینه های اجتماعی، در حل معضلات و مشکلات مردم بویژه زحمتکشان کاملاً عیان گردیده و اعتراض مردم تنها با زور و سرکوب قابل کنترل است. گرانی، بی خانمانی، بیکاری، فقدان امنیت، خفقان سیاسی و اجتماعی، بیداد میکند. در چنین شرایطی کارگران تحت ستم، بیسش از همه زیر فشار و نابودی قرار دارند و در این

گیرودار مرگ و زندگی دست به تلاشهایی میزنند که حتی موعظه ها و سحر و جسدادی پیا پیا زمانه بحال آنان کارگر نیست. برای بسیاری از کارگران چاره ای جز مقاومت و مبارزه باقی نمانده است. مبارزاتی که زمانی در چهارچوب قوانین و ضوابط اسلامی صورت میگرفت و قابل تحمل هم نبود، امروز بخارج از محدوده کشانیده میشوند و نمونه های آن در میان کارگران کم نیست. نمونه کارگران قهرمان ارج هم اکنون در مقابل قرار دارد و به لحاظ اهمیت خواسته های اساسی و محکم آنان، بر آن تاکید میگذاریم.

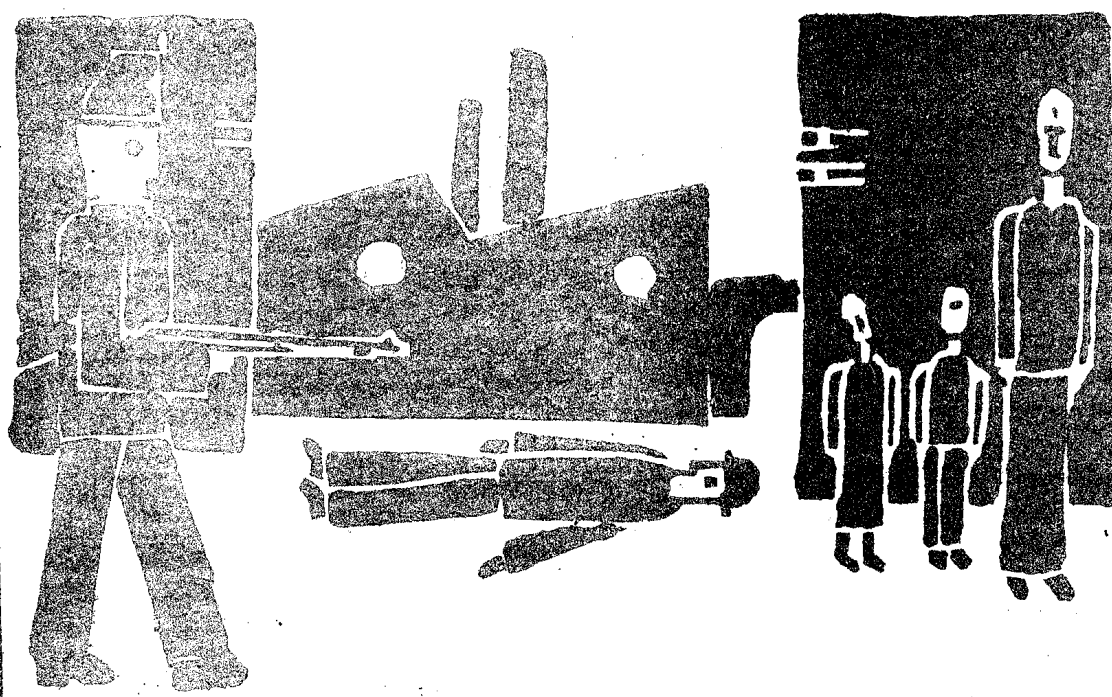
کارگران ارج و خواسته های اساسی آنان

کارگران مبارز ارج همانند بسیاری از کارگران آگاهی که علیرغم شرایط خفقان و سیاستهای سرمایه داری رژیم حاکم به جنب و جوش درآمده اند، بخاطر حقوق پامال شده شان قاطبانه و متحد قیام کرده اند. کارگران ارج امروز بزرده و خواست مهم و اساسی یعنی ایجاد شوراهای مستقل و واقعی و تقسیم سود کارخانه بین کارگران انگشت گذارده اند. در اینجا ناگزیر هستیم، جریانات اخیری را که بصورت بالفعل از اوایل آبان ماه امسال در کارخانه ی ارج بوقوع پیوسته اند و صف بندی متحد کارگران در قبال کارفرمایان را بوجود آورده اند به اختصار و نه در جزئیات وقایع، تشریح کنیم و تاکید اصلی را بر محتوی حرکت آنان بگذاریم. کارگران کارخانه ی ارج از جمله زحمتکشانی بودند که در مبارزه علیه رژیم گذشته و تشکیل شورای مستقل کارگری و حتی کنترل تولید کارخانه، پیشقدم بوده اند. پس از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی و دخالت و کار شکنیهای کارفرمایان و دولت جدید در شورای کارخانه، مجدداً تعطیل و سرکوب عناصر آگاه و مبارز آغاز گردید و شورای اسلامی کارگران که عمدتاً توسط عوامل کارفرما اداره میشد بر امور کارگران و کارخانه حاکم گردید. کارگران آگاه ارج که از واقعیات پشت پرده بی اطلاع نبودند، از افشاکری و مبارزه علیه توطئه های کارفرمایان و عوامل رژیم حاکم غافل نبوده بتدریج به طرح خواسته های واقعی و حقوق ضایع شده ی

کارگران پرداخته و بالاخره در آبانماه امسال زمانیکه در بدترین شرایط اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته بودند در حالیکه کارخانه توسط فالانزهای حزب حاکم و پاسداران و کمیته چپها به زندان و بازداشتگاه کارگران تبدیل شده بود، علیرغم اختناق شدید، صدای اعتراض خود را بلند کرده و خواسته هایشان را اعلام نمودند.

در اثر فشاری و مذاکرات کارگران برای انحلال شورای اسلامی و انتخابات جدید بالاخره، در نیمه اول آبانماه امسال یک مجمع عمومی تشکیل شد. اگر چه این مجمع عمومی طبق روال همیشگی با شرکت یک آخوند و صهیونیستهای چپ و پرند او و همچنین مخالفت فالانزهای کارخانه مجال سخن گفتن به کارگران را نداد ولی تشکیل مجمع عمومی دیگری که کارگران خواسته های خود را مطرح کنند در هفته بعد از آن قطعیت یافت.

حالی و عوامشربانیهای دولت و حزب حاکم در دفاع از مستضعفان پی بردند. با روی روسی مستقیم کارگران علیه نوطه های مشترک دولت و سرمایه داران اوضاع کارخانه دگرگون شد. سپاه پاسداران گردان کارخانه ها را و کمیته چپها که برای چنین مواقعی ساخته شده اند دست یگارشده و نماینده های کارگران را شایسته از منزلت و بیو ده و به زندان اوین منتقل کردند. این وقایع بوضوح مشت شوکران و حامیان سرمایه دار را برای کارگران باز کرده و ماهیت مزدوران سرمایه تر از هر چه بیشتر آشکار کرد. کارگران با اطلاع از این آدم دزدی آشکار به طرز درنگ نکرده و به یک عمل متقابل و انقلابی دست زدند. آنان در مقابل آزادی نماینده های خود، نماینده های دادستانی، مدیران مزدور کارخانه و تنی چند از عوامل جیره خوار کارخانه را به گروگان گرفتند. این گروگانگیری صفتی کارگران با خدانقلاسیون واقعی است.



ربانی مبارزه طبقاتی
کلکی روی چوب
ار : فرانتس، و. سایورت

در این مجمع عمومی یکی از کارگران که از نمایندگان واقعی کارگران در شورایی قبلی نیز بوده، خواست تشکیل شورای واقعی کارخانه و تقسیم سود سال ۵۸ بمبلغ ۱۵ میلیون تومان را مطرح کرد. افشاگری نماینده های کارگران و طرح خواسته های واقعی آنان موجب ترس و وحشت کارفرمایان و عناصر خسود فروخته و ساواکی شده و یکی از عوامل وابسته بنام سمیدی برای بدنام کردن و تخطئه ایسن کارگر مبارز دست به اتهام زدن و نسیته های ناروا زد که این عمل باعث خشم بیشتر کارگران و بالاخره درگیری و فرار او بکمک پاسداران و کمیته چپها شد. کارگران که از حضور افراد مسلح تحت عنوان "سپاه پاسداران گردان کارخانجات" دل پرورونی داشتند، با حمایت آنان از عوامل خود فروخته و دست پرورده های سرمایه داران هر چه بیشتر این اتحاد مقدس را از نزدیک لمس کرده و به پوچ بودن شعارهای تسو

باعث اتخاذ چنین تصمیم انقلابی و واحدیکسانی آنها شده بود.
در این مبارزه روی با فالانز سره کارگران پیروز شده و موفق به بازپس گرفتن نماینده های خود از رژیم شدند. این عمل متهورانه و انقلابی مسلما نمیتوانست بدون جواب باقی بماند. رژیم زخم خورده به تلاشهای شکست خود، سپاه پاسداران را برای اشغال کارخانه و کنترل شدید کارگران اعزام کرد. صبح شنبه ۱۷ آبانماه کارخانه ایسادی از در معاصره قرار گرفت. پاسداران مسلح از ورود کارگران به کارخانه جلوگیری کردند و فقط با قید ضمانت و تعهد قعد اجازه ی ورود به کارگران را داشتند. ولی کارگران قهرمان از این بیورش نظامی هم هراسی نداشتند. راه نداده و با تشفی خود بجای عقب نشینی با یک تصمیم انقلابی دیگر به صفوف پاسداران حمله ور شده و خانه های خود را از دست مزدوران

سرمایه آزاد کردند. کارگران قهرمان ارج بدرستی تشخیص داده بودند که جز اعمال قدرت خودشان در مقابل قدرت سرمایه نخواهند توانست به حقوقشان دست یابند. بهسر رو کارگران پس از آن نیز بر خواستههای خسود پافشاری کرده و درگیری آنها با کارفرمایان ادامه یافته است.

تجربهای کارخانه ارج و برخی موسسات تولیدی دیگر، چنانکه در سطح جامعه پیساده شود، آنگاه بجای مبارزهی جداگانه علیه کارفرمایان و سرمایه داران، به مبارزه علیه نظام سرمایه داری که توسط دولت و اینسازار سرکوب آن یعنی پاسداران کمیتته ها، ارتش و پلیس و دادگاههای ضد انقلاب و غیره محافظت میشود، خواهد انجام مید. این تجربیات بایستی به سایر کارخانجات منتقل شده و دیگر کارگران را نیز در بر گیرد. تنها در سایه وحدت و تشکیلات کارگران و از طریق تشکیل نهادهای شورایی و دیگر سازمانهای مستقل آنان است که مبارزهی طبقاتی شکل آگاهانه و انقلابی بخود خواهد گرفت.

اهمیت شعار کارگران ارج مبنی بر "مفوف شوراهاى واقعی را مستحکم و فشرده سازیم"، در این ارتباط روشن و آشکار میگردد زیرا تنها با ایجاد و گسترش این شوراهاست که تحقق خواستههای انقلابی کارگران امکان پذیر خواهد بود. وجود سندیکا، اتحادیه، کمیتته های کارخانه زیر نظر این شوراها، صف مستقل کارگران در مقابل سرمایه داری را تحقق خواهد بخشید. تا رسیدن باین سن صف مستقل شاید راه طولانی در پیش داشته باشیم ولی بدون آن کارگران حتی نخواهند توانست خواستههای صنفی و اقتصادی خسود را جامه عمل بپوشانند.

تقسیم سود کارخانه بین کارگران یکی دیگر از خواستههای مترقی کارگران ارج است. خواست تقسیم سود بین کارگران علاوه بر جنبه اقتصادی آن بیش از همه از نظر اجتماعی و سیاسی حائز اهمیت است. کارگران زمانی میتوانند بطور واقعی باین خواست خود دست یابند که در امر کنترل تولید و توزیع کارخانه دخالت مستقیم داشته باشند. در غیر اینصورت رژیم سرمایه داری با استفاده از دورو کلکهای قانونی و دست بردن در سود و زیسان کارخانه سعی خواهد نمود بطور ظاهری مقداری از مزد کارگران را به اسم سود کارخانه بین کارگران تقسیم کرده و همان سیاستی را که رژیم شاه در پیش گرفته بود، امروز نیز بکار بندد. بنابراین شعار تقسیم سود در بین کارگران علاوه بر جنبه اقتصادی آن که در جای خود ضروری است بایستی بسا خواست دخالت کارگران در کنترل تولید و توزیع همراه باشد. و این باز جز از طریق مبارزه برای تشکیل شوراهاى واقعی کارگران امکان پذیر نیست.

پافشاری کارگران مبارز ارج برای تشکیل شورای واقعی کارخانه و دخالت کارگران در تولید و توزیع کارخانه از موازیدی است کسه رژیم جمهوری اسلامی از ابتدای حکومتش بسا آن به مخالفت برخاسته و از طریق اصول ضدکارگری قانون اساسی و مصوبات شورای انقلاب و مجلس شورای اسلامی جنبه قانونی به آنها داده است. مصوبات شورای انقلاب دربارهی انحلال شوراهاى مستقل و سود ویژه از آن جمله اند. حزب جمهوری اسلامی و بنی صدر و سایر دولتسردان جمهوری اسلامی اگر چه در اینجا و آنجا و بخاطر رقابت گاهی از منافع کارگران داد سخن میدهند ولی امروزه دیگر دست آنها بسورای بسیاری از کارگران رو شده است. حزب جمهوری اسلامی که برای مقابله با جناح مخالف خسود یعنی بنی صدر و شرکاء دست به ایجاد انجمنهای اسلامی کارگران میزند و دربارهی سود ویژه به رقیب خود انتقاد میکند وقتی در برابر خواستههای بحق کارگران ارج قرار میگردد شدیدتر از رقیب خود کارگران را بیاد فحش و ناسزا و چماقداران و رژیم بدستان خود را بجان کارگران میاندازد. روزنامهی جمهوری اسلامی ارگان حزب فالانژ حاکم بعد از پیسوروزی کارگران ارج از هیچگونه فحش و ناسزا و نسبت های ناروا نسبت به آنان کوتاهی نکرد. باین حملات از روزی نامهی جمهوری اسلامی توجه کنید:

"بارها و بارها شاهد بودیم که افسراد تحصیل کردهی خود فروخته در لباس مقدس کارگری اما با نیات پلیس از کار انداختن چرخهای تولیدی مملکت و به راه انداختن اعتصابات کسه نتیجتاً ما را با شکست اقتصادی روبرو نماید پای در محیط کارخانجات و شرکتهای تولید گذارده اند."

"افراد معلوم الحال در کارخانجات مشغول آموزشهای تخریبی به گسروه قلبی از کارگران ناآگاه هستند لیکن باید به اطلاع تمامی امت شهید پرور ایران برسانیم که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مقابل این نوطه ها سکوت نکرده و قاطعانه در مقابل نوطه های منافقین، ماسکین و سئون پنجم دشمن در هر کجا که باشد استوار و مقاوم ایستادگی خواهد کرد. (تاکید از ماست)

"باید بدانید که عمال گروههای چپ نما در آن کارخانه فعال بوده و از خارج جهت از هم پاشیدن موجودیت این کارخانه دستور میگردد."

"متاسفانه دشمن دیدگاههای مسیادی گرایانهی خود را در میان خواهران

برقرار باد...

و برادران کارگر مطرح کرده عنوان میکنند که باید تمامی سود حاصله از کارخانجات فقط میان کارگران تقسیم شود.

"عزیزان کارگر انصاف دهید که هر سودی را نمیتوان میان کارگران همان واحد تقسیم کرد... شایسته است که عزیزان باین مسایل توجه داشته و آلت دست مزدوران خود فروخته‌ی شرق و غرب نشوند."

"در خاتمه از مقامات مسئول مملکتی و نهادهای انقلابی خواهانیم که هر چه زودتر جهت یاکسازی عناصر طاغوتی و ضد انقلاب در این کارخانه اقدام نمایند."

"چند هفته‌ی قبل یک سری از افراد در بین کارگران شایع کرده بودند که مقداری پول در صندوق شرکت موجود است و این حق شما کارگران است با تحقیقاتی که در این مورد بعمل آوردیم متوجه شدیم که این پول مخصوص ذخیره‌ی کارخانه است تا اگر اختیار جدیدی خواست بگیرد و ... پول داشته باشد. در این مورد دادستانی کل انقلاب جمهوری اسلامی اطلاعیه‌ای صادر کرده است."

متن دادستانی:

"شرکت ارج پیرو اظهارات برادر عبدالرحمن بوشهری در بین کارکنان شرکت در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۲۴ اعلام میگردد که مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال ذخیره محسوب شده در شرکت که از محل سود سال ۱۳۵۸ تامین گردیده قابل تقسیم بین کارگران نمیشد هر گونه اقدام خلاف قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران موجب مجازات قانونی خواهد بود."

ما به عمد تعداد بیشتری از عبارات روزی نامه‌ی جمهوری اسلامی را آوردیم تا از توضیح بیشتری بی نیاز باشیم.

امروز دیگر همه میدانند که این افراد تحصیلکرده، چپ‌نما، ضد انقلابی و ستون پنجم دشمن چه کسانی هستند و آنها را که سپاه پاسداران و دادستانی کل انقلاب جمهوری اسلامی و قوانین و مقررات جمهوری اسلامی و غیره را به رخ کارگران میکشند از چپه قماشند. اگر شما نمیدانید، کارگران قهرمان ارج میدانند که عناصر خودفروخته‌ای چون کریمی، تاجیک و چوری چه کسانی هستند. آقای چوری که کارگران از کمدش عکس شاه خائن و مدالهای شاهنشاهی را پیدا میکنند و امروز جاسوسی کارگران را برای کارفرمایان جدید میکند برای کارگران شناخته شده است.

اگر شما نمیدانید کارگران کارخانه ویسن میدانند که صاحب کارخانه آقای حسین زاده عضو فراماسونری و دستیار ریچارد هلنسنز رئیس سابق سازمان سیا و سفیر امریکنا در ایران میباشد. ولی در همین دادگاههای انقلاب اسلامی این جناب سرمایه دار کارگران آن کارخانه را به پای میز محاکمه میکشند و دادگاه بجای ایشان رای محکومیت کارگران را میدهد. از این نمونه‌ها در جمهوری اسلامی ایران فراوان یافت میشود. حال یک سؤال بسیار بزرگ باقی میماند که حزب جمهوری اسلامی و سایر دولتمردان این رژیم بایستی برای خودشان و مردم پاسخ بدهند. چه کسی طرفدار کار و انقلاب است و چه کسانی مدافع سرمایه‌داری و ضد انقلاب؟ جواب نیز ناگفته روشن است!

مبارزه‌ی کارگران قهرمان ارج بسرای ایجاد شورای واقعی و تقسیم سود کارخانه همچنان ادامه دارد و ما دربارهی تحلیل از مبارزات آنان و سایر کارگران بیخاسته‌ی ایران در آینده باز هم سخن خواهیم گفت.

* پیش بسوی تشکل مستقل کارگران
* پیروز باد مبارزات انقلابی کارگران

درحاشیه...

حکومت فراهم کرد. شاید اگر جنگ با عراق پیش‌نیامده بود، اشکهای رهبر در ماه محرم میتوانست سازمانهای مترقی - و به ویژه مجاهدین - را از انتظار عمومی بکسره پاکشویی کند. اگر چه برای اجرای این رسالت پیامبر گونه هنوز هم دیر نشده است.

ندبیه‌ی و زاری شاید موقتا ظاکناران را مظلوم و درخور ترحم جلوه دهد، اما حتی سیل اشک هم نمیتواند کارنامه‌ی سیاه را بشوید کمترین تاثیر مثبت پانزومیم‌های جورواجور این است که پس از مدتی مردم باین نتیجه میرسند که "این چشمه را هم دیده‌اند."

گمونیهستاهو...

اینکه استالینیهستهای جنبش گمونیهستایی، بگویند لیبرال شده‌اید، اینها تقلب است. کسی که سنگر آزادیخواهی را ترک میکند و آنرا بدست لیبرالها میسپارد در خدمت لیبرالیسم است و نه کسی که این دژاتسوک نمیکند و بنا فریاد رسا بگویند گمونیهستیه کمونیهستیه آزاده‌ترین انسانهای روی زمینند.